

The Change of the Family from the Pre-Islamic Era to the Time of Amir al-Mo'menin (AS)

*Mohammad Reza Aram*¹

*Mohammad Hossein Rajabi Davani*²

*Davood Mahdaviadegan*³

One of the most important tools for describing, explaining and prescribing an issue is to understand the developments of that issue in its historical and political context. The institution of the family, as the most fundamental social institution, and the rules and regulations governing the formation, consolidation and reproduction of this institution are no exception to this rule. Therefore, the purpose of this study is to understand the changes in the institution of the family in the historical and political context of early Islam. The history of the beginning of Islam, in terms of shaping our perception of the Islamic family or the ideal example of the family, is the most important time to understand the developments of this institution. The main question of this research is "How has the family institution change from the pre-Islamic era to the The Age of Amir al-Mu'minin (a.c)"? In order to answer this question, an attempt has been made to answer this question by using the reports of the Holy Quran and the manners and traditions of the Infallibles (AS) as well as the manners of the three caliphs. Focusing on several axes such as the quality of family formation, marriage, divorce and social harms in the family institution and how to deal with these harms in different periods of early Islam, we conclude that first the family institution has gone through a sinusoidal course and secondly The influence of the institution of the family in different political periods. The current structure of the family in Iran and Islamic countries is a product mixed with the traditions of the Prophet PBUH and Alawites, the deviations of the pre-Islamic era and the innovations of the three caliphs in this field. Understanding this evolution can lead to a correct understanding of our current descriptions, explanations, and prescriptions of family institution issues.

Keywords: Transformation of the Family Institution, Family in the Age of Ignorance, Family in the Islamic Era, Family History.

1. Corresponding Author: PH.D Candidate, Department of Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies

2. Associate Professor, Islamic Education Department, Imam Hussein University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال شانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰: ۱۵۵-۱۲۷

سیر تحول نهاد خانواده از دوران جاهلیت تا دوران امیرالمؤمنین (علیه السلام)

محمدحسین رجیبی دوانی^۲

محمدرضا آرام^۱

داوود مهدوی زادگان^۳

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

چکیده

یکی از مهم‌ترین لوازم توصیف، تبیین و تجویز یک پدیده، فهم تحولات آن در بستر تاریخی و سیاسی است. نهاد خانواده و احکام و قواعد حاکم بر آن، از این قاعده مستثنی نیستند؛ لذا هدف از این پژوهش، فهم تحولات نهاد خانواده در بستر تاریخی و سیاسی صدر اسلام است. این دوران، از جهت شکل‌گیری تصور ما از خانواده اسلامی یا نمونه ایده‌آل خانواده، مهم‌ترین برهه زمانی برای فهم تحولات نهاد خانواده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که «نهاد خانواده از عصر جاهلیت تا عصر علوی، چه تحولاتی داشته است»؟ برای پاسخ به این سؤال تلاش شده است با استفاده از روش اجتهادی، از آموزه‌های قرآن کریم، سیره و سنت معصومین (علیه السلام) و هم‌چنین سیره خلفای ثلاث، سیر تحول خانواده در صدر اسلام استنباط شود. با تمرکز بر چند محور از جمله کیفیت تشکیل خانواده، ملاک‌های ازدواج، نحوه طلاق، میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در نهاد خانواده و نحوه مقابله با این آسیب‌ها در ادوار مختلف صدر اسلام، نتیجه می‌گیریم که نهاد خانواده سیری پرفراز و نشیب و متفاوت را طی کرده است. ضمن اینکه متوجه تأثیر و تأثرات نهاد خانواده در ادوار مختلف سیاسی می‌شویم. ساختار امروزی خانواده در ایران و جهان اسلام، محصول ترکیبی از سیره و سنن نبوی و علوی، انحرافات عصر جاهلیت و بدعت‌های خلفای ثلاث در این زمینه است. فهم این سیر تحول، می‌تواند منجر به تصور درستی از توصیف، تبیین و تجویزهای کنونی ما در مورد مسائل نهاد خانواده شود.

کلیدواژه‌ها: تحول نهاد خانواده؛ خانواده در دوران جاهلیت؛ خانواده در دوران اسلامی؛ تاریخ خانواده.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشکده علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

Dr.araam@gmail.com

Mhrjabidavani@gmail.com

۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران

Davood@ihcs.ac.ir

۳. دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

مقدمه

طبق آموزه‌های هرمنوتیک، لازمه فهم درست یک پدیده، فهم زمینه‌های^۱ آن است. یکی از تأکیدات گادامر^۲ در مطالعه ماهیت فهم که به تأثیر موضوع شناسایی در فرایند فهمیدن اشاره دارد «تاریخ‌مند بودن فهم» در دیدگاه اوست (گادامر، ۱۹۷۶م: Xli) به نحوی که در صورت غفلت از زمینه‌ها و بسترهای تاریخی یک پدیده فهم ما از آن ناقص - و بلکه اشتباه - خواهد بود^۳.

نهادهای اجتماعی و احکام و دستورات الهی هم در بستر زمانی و مکانی خاصی نمود و تجلی یافته‌اند؛ لذا در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی، نقش مهمی در فهم دین و نهادهای دینی ایفا می‌کند (ر.ک. به: محققیان و رحمان ستایش، ۱۳۹۶؛ مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱). به عنوان مثال، توجه به شأن نزول آیات قرآن، امضایی یا تأسیسی بودن احکام، زمینه صدور روایات، آیات ناسخ و منسوخ، ثابت یا متغیر بودن احکام و بدعت در دین، از جمله لوازم دین‌شناسی هستند و معصومان (علیه‌السلام) بر این زمانه‌شناسی در دین، تأکید کرده‌اند (هلالی، ۱۴۰۵، ق، ج ۲: ۴۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱: ۶۲).

نهاد خانواده، به عنوان یکی از اولین و مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نیاز به تاریخ‌مندی در فهم دارد؛ لذا ساختار، احکام و قوانین نهاد خانواده را باید در بستر زمانی و موقعیت سیاسی - جغرافیای خاص آن فهمید (چابک‌در، ۱۳۹۶) تا در ارزیابی این نهاد و تأثیر و تأثرات آن در دیگر ساختارها و قواعد اجتماعی، منجر به توصیف‌ها و تجویزهای نادرست در این باب نشویم.

برخی از تحولات نهاد خانواده را می‌توان بدعت یا انحراف و برخی دیگر را می‌توان بازگشت به سنت نبوی دانست. از آنجاکه تعریف ما از خانواده مطلوب، تعریفی عمدتاً پیشینی و مستند به سیره و سنت صدر اسلام است، بررسی زمینه‌های سیاسی - تاریخی نهاد خانواده از دوران جاهلیت تا دوران امیرالمومنین (علیه‌السلام)، کمک زیادی به فهم ما از معنا و مفهوم نمونه ایده‌آل^۴ خانواده در دوران کنونی می‌کند. توصیف و تبیین تاریخ صدر اسلام به ما کمک می‌کند تا سیر تحول این نهاد و قوت و ضعف‌های آن را در هر دوران بهتر ارزیابی کنیم. مختصات خانواده در عصر جاهلیت به ما کمک می‌کند تا گذشته این نهاد، پیش از بعثت نبوی و آداب و رسوم درست و

1 Context

۲ Hans-Georg Gadamer (1900-2002): فیلسوف برجسته آلمانی در سنت قاره‌ای

۳ این مبحث ریشه در مبحث تاریخی‌نگری (Historicism) دارد (ر.ک. به: همپتون: ۲۰۰۳).

4 Ideal type

نادرست آن را بهتر تحلیل کنیم. هم‌چنین رویکرد اصلاحی یا تکمیلی حضرت رسول (ص) چه در ابتدای بعثت و چه در زمان تشکیل حکومت در قبال نهاد خانواده را بهتر ارزیابی می‌کنیم. با مطالعه ساختار نهاد خانواده در عصر خلفای ثلاث، می‌توانیم به ترکیب سنن جاهلی و سنن اسلامی در نهاد خانواده در این دوران پی‌ببریم و با مطالعه رویکرد امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به بدعت‌ها و انحرافات جدید در نهاد خانواده و تلاش برای بازگشت این نهاد به سنت نبوی، می‌توانیم سنجه خوبی برای اصلاحات در آسیب‌های نوپدید در نهاد خانواده به‌دست آوریم.

در نتیجه، در این پژوهش با یک سؤال اصلی و پنج سؤال فرعی روبرو هستیم که در صدد پاسخ‌گویی آن‌ها برآمدم:

سؤال اصلی:

نهاد خانواده از عصر جاهلی تا عصر علوی، چه تحولاتی داشته است؟

سوالات فرعی:

۱. خانواده در عصر جاهلیت چه مختصاتی داشته است؟
۲. خانواده در عصر نبوی چه مختصاتی داشته است؟
۳. خانواده در عصر خلفای ثلاث چه مختصاتی داشته است؟
۴. خانواده در عصر علوی چه مختصاتی داشته است؟
۵. سیر تحولات نهاد خانواده در صدر اسلام، چه آموزه‌های سیاست‌گذارانه‌ای برای دوران کنونی دارد؟

پیشینه پژوهش

عمده پژوهش‌های داخلی، حول محور «سیر تحول خانواده در ایران» انجام شده است و پژوهش مستقلی در باب سیر تحول نهاد خانواده در صدر اسلام، انجام نگرفته است. این پژوهش‌ها با رویکردی عمدتاً توصیفی، به مدرن‌شدن تدریجی خانواده ایرانی و رواج فردگرایی در خانواده و تغییر ساختار خانواده از گسترده به هسته‌ای اشاره می‌کنند. به‌عنوان مثال می‌توان به مقالات علمی زیر اشاره کرد: «مقایسه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی (رحیمی و رضایی، ۱۳۹۶)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی» (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲) و «اشکال نوپدید خانواده در ایران» (یزدانی و دوستی، ۱۳۹۴).

نوآوری این پژوهش در این است که تاریخ تحولات خانواده در دوران جاهلی و صدر اسلام را به صورت پیوسته و انسجام‌گرایانه - نه به صورت گسسته - مورد پژوهش قرار داده است؛ ضمن اینکه، این پژوهش تلاش دارد تا تأثیر و تأثرات قدرت سیاسی بر نهاد خانواده و بالعکس را مورد بررسی قرار دهد. هم‌چنین نوآوری دیگر این پژوهش، بیان ارتباط سنن جاهلی و سنن خلفای ثلاث در نهاد خانواده و سنن نبوی و سنن علوی در این نهاد است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع «کیفی» بوده و با روش اجتهادی، به فحص و جست‌وجو از ادله قرآنی، روایی، تاریخی و سیره معصومان (علیه‌السلام) پرداخته است. در ابتدا مجموع گزارشات موجود در باب تحولات نهاد خانواده در قلمرو زمانی پژوهش جمع‌آوری شد، آن‌گاه پس از اعتبارسنجی و نهایتاً دسته‌بندی این گزارشات، سیر تحول نهاد خانواده از دوران جاهلیت تا دوره امیرالمومنین (علیه‌السلام) به رشته تحریر درآمده و مورد مقایسه قرار گرفته است.

پیش از ورود به بحث شایسته است که به اختصار درباره «مبنای اعتبار سنجی روایات» در این مقاله به نکته‌ای اشاره شود. در این پژوهش روایاتی که به طریق صحیح به دست ما رسیده باشد و یا قرینه‌هایی داشته باشند که صحت آن روایات را تأیید کنند، حجت دانسته شده است. بر این اساس روایاتی که سند آن‌ها ضعیف باشد، می‌تواند معتبر باشد؛ به شرطی که مضمون آن در روایاتی که سند آن‌ها صحیح باشد یا قرینه‌های دیگری داشته باشند. روایاتی که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته است، از نظر سندی صحیح هستند یا مضمون آن‌ها در روایات معتبر و دارای قرائن ذکر شده است و به روایات با ضعف سندی، از آن جهت که مضامین آن‌ها مورد تأیید روایات معتبر دیگر است، استناد شده است.

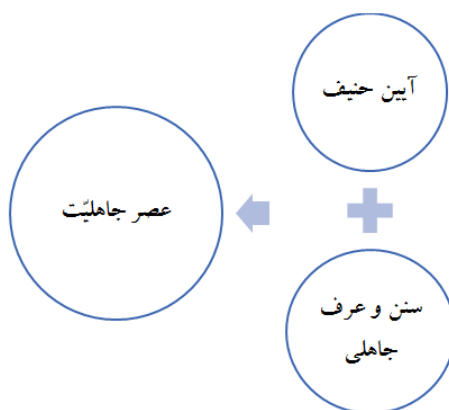
یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری گزارش‌های موجود در باب تحولات نهاد خانواده در چهار دوران (دوران جاهلیت، دوران نبوی، دوران خلفای ثلاث و دوران علوی) و اعتبارسنجی آن‌ها، این گزارشات دسته‌بندی شد و مختصات خانواده در هر دوران به دست آمد؛ لذا پس از آشنایی اجمالی با مختصات کلی هر دوران می‌توانیم میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در خانواده، کیفیت تشکیل خانواده و ازدواج، ملاک‌های ازدواج و کیفیت طلاق در ادوار مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم.

ساختار خانواده در عصر جاهلیت

بررسی ساختار خانواده در عصر جاهلیت چندین فایده دارد: یک) بعثت نبوی در عصر جاهلیت رخ داده است؛ دو) حضرت رسول (ص) تمام احکام و سنن جاهلی را طرد نکردند؛ بلکه برخی از آن‌ها را امضا نمودند و حتی مورد حسن استفاده قرار دادند؛ سه) با بررسی مختصات خانواده در عصر جاهلیت، می‌توانیم عملکرد دستگاه خلافت نسبت به بازگشت به این دوران در عرصه سبک زندگی و حکومت‌داری را بهتر ردیابی کنیم.

ادعایی که در این قسمت به دنبال تأیید آن هستیم، این است که «ساخت و بافت نهاد خانواده و خویشاوندان در عصر جاهلیت را می‌توان محصول ترکیبی از آیین حنیف^۱ یا سنت انبیای پیشین و سنت‌های غلط آبا و اجدادی جاهلیت یا عُرف ناروای آن دوران دانست». برای تفکیک این ترکیب ناهمگون از یکدیگر، نیازمند بازشناسی ویژگی‌های مثبت و منفی عصر جاهلیت در نهاد خانواده و خویشاوندان هستیم.



شکل ۱. آیشخورهای فکری عصر جاهلیت

۱. ویژگی‌های مثبت ساختار خانواده در عصر جاهلیت

ساختار خانواده در دوران جاهلیت - برخلاف تصور رایج - ویژگی‌های مثبتی دارد. امام صادق (علیه السلام) در گفت‌وگویی علمی با یکی از مخالفان، عرب در زمان جاهلیت را نزدیک‌تر از

۱ آیین حنیف در ۱۰ موضع جداگانه در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است (البقرة: ۱۳۵؛ آل عمران: ۶۷ و ۹۵؛ النساء: ۱۲۵؛ الأنعام: ۷۹ و ۱۶۱؛ یونس: ۱۶۵؛ النحل: ۱۲۰ و ۱۲۳؛ الروم: ۳۰). این عبارت بیانگر آیین حضرت ابراهیم (ع) یا همان اسلام نخستین و راستین است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۹۲).

مجوس به دین حقیقت معرفی می کنند. سپس حضرت به مواردی از جمله وجود سنت های انبیاء هم چون غسل جنابت و سنت ختنه در عرب جاهلی اشاره می کنند که مجوس به آن پایبند نبوده است. سپس حضرت می افزایند که مجوس با مادران خودشان هم بستر می شدند و با خواهران و برادران خونی خود ازدواج می کردند ولی عرب جاهلی این کارها را حرام می دانست. در پایان این گفت و گو حضرت نتیجه می گیرند که عرب جاهلی نسبت به مجوس، در تمام زمینه ها به دین حقیقی نزدیک تر بوده است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۴۶؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۷۷).

به طور خاص می توان برخی سنت های عصر جاهلیت از جمله «ازدواج» را مورد ستایش قرار داد. فردی از امام صادق (علیه السلام) درباره اینکه چرا پیامبر (ص) برخی از سنن جاهلی را مورد اعتنا قرار می دادند، سؤال می کند؛ امام در پاسخ به آن فرد می فرماید: «قطعاً مردم زمان جاهلیت تمام چیزهایی که از دین ابراهیم (علیه السلام) باقی مانده بود را ضایع کردند؛ به جز ختنه کردن، ازدواج کردن و حج. قطعاً آن ها به این سه مورد تمسک کردند و این سه سنت ابراهیمی را تباہ و ضایع نساختند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۱۴).

قیح برخی مسائل منافی عفت

برخی مسائل منافی عفت در عصر جاهلیت از جمله زنا و عدم رعایت عده، قبیح بوده است. در اوایل بعثت نبوی، احکام عصر جاهلیت درباره مجازات زناکار و مدت زمان عده، توسط شارع مقدس امضا می شود.

قیح زنا و مجازات زناکار

استعمال تعبیری چون بغاء، زنا، سفاح و فجور در ادبیات عرب جاهلیت، نشان می دهد که اعراب از بی عفتی و «روسی گری» متنفر بوده اند و آن را زشت و قبیح می دانستند. در میان اعراب، کسانی نیز بودند که با فطرتی پاک، از آلودگی های شهوانی پرهیز می کردند یا به دلیل پای بندی به دین و شریعت یا آیینی هم چون حقیقت از فسق و فجور دوری می جستند (منتظری مقدم، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

عرب جاهلی حتی برای زن و مرد زناکار قائل به عقوبت حبس و اذیت یا طرد و استخفاف بوده است. امیرالمومنین (علیه السلام) در توصیف شریعت جاهلیت در این خصوص و امضای موقت این شریعت پس از اسلام می فرماید: «شریعت اعراب جاهلیت این بود که وقتی زنی زنا می کرد، در خانه اش محبوس شده و معاش او تأمین می شد تا اینکه مرگ سراغ او بیاید و اگر مردی زنا می کرد او را از مجالس خودشان طرد می کردند و به او دشنام داده و او را مورد آزار و اذیت و ملامت قرار

می دادند و کاری جز این بلد نبودند؛ بنابراین خداوند در ابتدای دین اسلام چنین حکم کرد» (النساء: ۱۵ و ۱۶)^۱ (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۸: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۶: ۶۰).

رعایت عدّه یکساله

در عصر جاهلیت، اعراب نسبت به اصل و نسب‌ها و هویت فرزندان‌شان اهمیت قائل می‌شدند تا جایی که قائل به یک سال عدّه برای زن همسر ازدست‌داده بودند. در ابتدای اسلام نیز این حکم عرب جاهلی به صورت موقت مورد امضا قرار گرفت. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «در زمان جاهلیت عدّه زن، یک سال کامل بود و چون مرد فوت می‌کرد، زن چیزی مثل پشگل یا شبیه آن از حیوان چهارپایی را به پشت خود می‌انداخت و می‌گفت: «شوهر، بر من از این هم بی‌ارزش تر است و من یک سال سرمه نمی‌کشم، آرایش و زینت نمی‌کنم، خود را نیکو نمی‌گردانم و ازدواج نمی‌کنم. بنابراین نه تنها زن را در این یک سال از خانه‌اش بیرون نمی‌کردند؛ بلکه وی را از ماترک همسر هم بهره‌مند می‌ساختند. پس خداوند در اوایل اسلام این آیه را نازل کرد: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ» (البقرة: ۲۳۴)؛ کسانی از شما که مرگ‌شان فرا رسد و همسرانی به‌جا گذارند، برای همسران خویش معاشی تا یک سال بدون بیرون کردن وصیت کنند» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲: ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۱۹۱).

۲. ویژگی‌های منفی ساختار خانواده در عصر جاهلیت

اعراب جاهلی، در برخی زمینه‌ها خانواده‌ستیز بوده است. نوع نگرش به فرزند دختر، نگرش به زنان و انحرافات در ازدواج، مهم‌ترین سرفصل‌هایی است که به تفصیل به تشریح اوضاع آن در عصر جاهلیت می‌پردازیم.

لازم به ذکر است، ویژگی‌های منفی عصر جاهلیت در میان تمام قبایل و تیره‌های عصر جاهلیت رواج نداشته است. ذکر این ویژگی‌های منفی از باب غلبه این ویژگی‌ها در آن دوران یا رواج برخی از این رذایل در برخی از قبایل و تیره‌های مهم عصر جاهلیت است. علت تعمیم برخی از این رذایل به جامعه جاهلی، سکوت یا رضایت ایشان در برابر این انحرافات است. به فرموده امیرالمؤمنین (علیه السلام): «تنها چیزی که مردم را گرد هم جمع می‌کند رضایت یا نارضایتی آن‌ها در

۱ هر چند سند این روایت ضعیف ارزیابی می‌شود؛ اما مضمون آن در منابع معتبر دیگر ذکر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۷).

امور است؛ پس هر کس نسبت به کاری راضی باشد، قطعاً جزء عاملین و داخلین در آن کار محسوب می‌شود» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۶۲).

یک) نگرش منفی به فرزند دختر

اعراب جاهلی از به دنیا آمدن فرزند دختر کراهت داشتند؛ اگر فردی دختردار می‌شد یا باید او را شرم‌ساری بزرگ می‌کرد یا در صورت نفرت زیاد، تصمیم به زنده به گور کردن دخترش می‌گرفت (النحل: ۵۹ و ۵۸). مطابق آیات، روایات و گزارش‌های تاریخی، دو علت اصلی برای کشتن دختران در عصر جاهلیت ذکر شده است: ترس از فقیر شدن (الأنعام: ۱۵۱) و ترس از به اسارت رفتن دختر در جنگ‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶۳). شنقیطی^۱، ذیل آیه ۷ و ۸ سوره مبارکه تکویر می‌نویسد: «روزی عمر بن خطاب گفت: در جاهلیت کاری انجام دادم که هنوز یاد آن مرا می‌گریاند و آن این بود که دخترم را زنده به گور کردم در حالی که او محاسن خاک آلود مرا می‌تکاند و نمی‌دانست من با او چه کار می‌خواهم بکنم؛ لذا هر وقت این کار را به یاد می‌آورم گریه‌ام می‌گیرد» (الشنقیطی، ۱۹۹۵م، ج ۸: ۴۳۹). این اقدام عمر بن خطاب در دوره جاهلی، ذیل تفسیر این آیه در برخی دیگر از منابع اهل سنت آمده است (الطبرانی، ۱۹۹۴م، ج ۱۸: ۳۳۷؛ الثعلبی، ۲۰۰۲م، ج ۱۰: ۱۳۹؛ الماوردی، ۱۹۹۹م، ج ۱۳: ۶۷؛ المتقی الهندی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۵۴۶).

دو) جایگاه پایین زنان در دوران جاهلیت

زنان در دوران جاهلیت جایگاه و شأن والایی نداشتند. عمر بن خطاب می‌گوید: «در دوران جاهلیت زنان را عددی به حساب نمی‌آوردیم» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۱۷۳). هم‌چنین گناه زنان مورد آزار و اذیت مردان قرار می‌گرفتند؛ مثلاً مردی همسرش را طلاق می‌داد، آن‌گاه پیش از آنکه عدّه او تمام شود، مجدداً به او رجوع می‌کردند و این کار را بارها تکرار می‌کرد و بدین وسیله زن باز بچه دست مردان قرار می‌گرفت (رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۸۱)!

یکی از مصادیق بی‌حرمتی به زنان در عصر جاهلیت، در تنگنا و مضیقه قرارداددن آن‌ها بود. این مضیقه می‌توانست در قالب آزار و اذیت زن با هدف بخشش مهریه انجام شود یا اینکه در قالب این رسم جاری شود که یکی از دوستان متوفی با انداختن لباسش روی زنی که شوهرش به تازگی از دنیا رفته، ازدواج با او را با همان مهریه قبلی به ارث می‌برد (النساء: ۱۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۳۴)!

۱ عالم برجسته سلفی، صاحب تفسیر اضواء البیان و مُدرّس قرآن در مسجد النبی (ص) (۱۳۲۵-۱۳۹۳ ه.ق)

سه) رواج مفاسد اخلاقی در دوران جاهلیت

تَبْرَج

تَبْرَج از ریشه «برج» به معنای ظاهر ساختن و جلب توجه کردن است و وقتی می‌گویم فردی تَبْرَج کرد، بدین معناست که زینت‌ها و محاسن خود را برای افراد نامحرم نمایان ساخت (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۲). خداوند متعال در قرآن کریم از «تَبْرَجِ الْجَاهِلِيَّةِ» (الأحزاب، ۳۳) نام می‌برد و آن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های منفی این عصر معرفی می‌کند. البته برای تَبْرَج چند معنای دیگر به‌جز اظهار زینت ذکر کرده‌اند؛ انداختن صِرفِ روسری روی سر و نمایان کردن گردن و گردنبند و متکبرانه و متبخرانه راه رفتن از دیگر معانی تَبْرَج است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۱۷۶).

رواج فحشا و فاحشه‌خانه‌ها

تاریخ مشهور عصر جاهلیت بیانگر این نکته است که زنا به‌صورت علنی و پنهانی در میان آن‌ها رایج بوده است. آن‌ها ولدالزنا را از روی قیافه‌شناسی یا قرعه‌کشی یا نظر زن زناکار به مردان بدکار نسبت می‌دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۶۰).

یکی دیگر از مفاسد اخلاقی معروف در عصر جاهلیت، وجود فاحشه‌خانه‌ها بوده است. زنانی که شغل‌شان کسب درآمد از راه فحشا بود، معمولاً بر سر درخانه‌های خود پرچمی خاص علم می‌کردند که نشانگر و مروج این عمل زشت در آن خانه باشد. خداوند متعال در قرآن کریم از این مسأله با عنوان «فحشای آشکار» (الاعراف، ۳۳) یاد کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۰۶). هم‌چنین معصومین (علیه السلام) به اسامی برخی از این زنان که در عصر جاهلیت در مگه، زنای علنی می‌کردند اشاره کرده‌اند که از جمله این زنان فاحشه می‌توان به حتمه، رباب و ساره اشاره کرد (اشعری قمی، ۱۴۰۸، ق: ۱۳۴).

اختلاط حسب و نسب‌ها

با توجه به شیوع برخی مفاسد اخلاقی هم‌چون زنا در عصر جاهلیت، فرزندان زنازاده‌ای به دنیا می‌آمدند که اصل و نسب آن‌ها به‌درستی معلوم نبود و این امر تا حد زیاد باعث ازهم‌گسیختگی اجتماعی در جامعه می‌شد. از رسول خدا (ص) در توصیف این اوضاع نابسامان منقول است که «اهل جاهلیت با یکدیگر روابط نامشروع داشتند و حسب و نسب‌هایشان نادرست است و کارهایی که

می کردند، نزد اهل معرفت مشهور و شناخته شده است» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۱۷۶؛ طبری آملی کبیر، ۱۴۱۵ ق: ۶۵۰).

رواج گونه‌های نامشروع ازدواج

هرچند ساختار خانواده و خویشاوندی در عصر جاهلیت برقرار بوده است؛ اما گونه‌های نامشروعی از ازدواج نیز در آن عصر وجود داشته است. ازدواج با همسر پدر یکی از گونه‌های نامشروع ازدواج بوده (العیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۱۷) که قرآن کریم از آن با عنوان فحشای پنهان یاد کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۴۰۶). البته در همان زمان جاهلیت، عبدالمطلب سنت حرمت ازدواج فرزندان، با همسران پدر را جاری کرد بود که خداوند متعال نیز پس از اسلام این سنت را جاری کرد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۳۶۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۱۲ و ۳۱۳). «ازدواج بدل» یکی دیگر اقسام ازدواج نامشروع در عصر جاهلیت بوده است. رسول خدا (ص) در توصیف این نوع ازدواج می‌فرماید: «در زمان جاهلیت مرسوم بود که زنان را مبادله می‌نمودند، به این گونه که مردی به مرد دیگری می‌گفت عوض کن همسر خود را با همسر من و من در عوض همسر من را به تو می‌دهم و تو از زنت به نفع من کنار برو تا من نیز از زنتم به نفع تو کنار بروم» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۲۷۵).

«ازدواج شغار» نیز در عصر جاهلیت وجود داشته است. امام صادق (علیه‌السلام) در توصیف نکاح شغار در عصر جاهلیت می‌فرماید: «ازدواج شغار به این معناست که در زمان جاهلیت مرسوم بود که فرد دخترش را بدون هیچ مهریه‌ای به عقد فرد دیگری در می‌آورد به شرط آنکه آن فرد، در مقابل خواهرش را بدون هیچ مهریه‌ای به عقد او درآورد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۷۵). گذشته از این نوع ازدواج‌ها، ازدواج‌های دیگری در عصر جاهلیت مرسوم بود که می‌توان به‌عنوان مثال به ازدواج به دو خواهر یا جمع بین الاختین (الاحزاب: ۵۲) یا دوستی‌های نامشروع - دوست‌دختر و دوست‌پسر - (النساء، ۲۵)، اشاره کرد.

ساختار خانواده در عصر نبوی

با بعثت پیامبر خاتم (ص) نوعی انقلاب علیه آداب و رسوم غلط جاهلی در تمام حوزه‌ها رخ داد (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۶۸ و ۷۷؛ ثقفی، ۱۳۹۵ ق، ج ۱: ۳۰۳). یکی از مواضع مهم، تحول آفرینی حضرت رسول (ص) در عرصه مناسبات خانوادگی و خویشاوندی بود که در اینجا به برخی از مهم‌ترین این تحولات، در مواجهه با سنن جاهلی اشاره می‌کنیم:

۱. مواجهه با گونه‌های نامشروع خانواده

با ظهور اسلام بسیاری از سنن جاهلیت نفی شد. پس از تشکیل حکومت نبوی، در روز فتح مکه، رسول خدا (ص) در مسجد می‌نشینند و پس از بیعت با مردان، برای بیعت با زنان دستور می‌دهند تا ظرفی از آب نزد ایشان بیاورند. آن‌گاه دست‌شان را در آب می‌گذارند و به زنان می‌فرمایند: «هر کس از زنان می‌خواهد بیعت کند، پس دستش را در ظرف آب بگذارد - چرا که من با زنان مصافحه نمی‌کنم - سپس برای زنان آنچه خداوند متعال از شروط بیعت نازل کرده است را می‌خواند و می‌فرماید: «عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِيَنَّ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعِهِنَّ» (الممتحنه، ۱۲) به این شرط که چیزی را شریک خداوند قرار ندهید، دزدی نکنید، زنا نکنید، فرزندان خود را نکشید و فرزندی را که از آن شوهرتان نیست به دروغ به او نسبت ندهید و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند، با آن‌ها بیعت کن» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۶۴).

۲. نفی تبرج

تبرج و خودنمایی یکی از ویژگی‌های عصر جاهلیت بود که در دوره نبوی خداوند متعال در قرآن کریم، به شدت عموم زنان مومن مخصوصاً همسران پیامبر (ص) را از آن بر حذر می‌دارد: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ» (الاحزاب، ۳۳) و در خانه‌های خودتان بمانید و بی‌دلیل از خانه بیرون نیاید و مانند زمان جاهلیت نخستین، در میان مردم تبرج و خودنمایی نکنید. فی‌الواقع خداوند متعال با شناسایی عوامل انحطاط روابط خانوادگی در عصر جاهلیت، از این عوامل بر حذر می‌داشتند تا جاهلیت دیگری پس از اسلام رقم نخورد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۹۳).

۳. تحریم ازدواج‌های نامشروع

پس از اسلام، خداوند متعال دستور به تحریم فحش‌های آشکار و پنهان می‌دهد (الأعراف، ۳۳). امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر فحش‌های آشکار و پنهان می‌فرماید: «مقصود از فحش‌های آشکار، همان زنای علنی و نصب پرچم‌هایی است که زن‌های فاجره در دوران جاهلیت برافراشته می‌کردند و مقصود از فحش‌های پنهان، ازدواج با همسران پدر - پس از مرگ پدر - است» (العیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۷).

سیاست دیگر رسول خدا (ص) برای محدود ساختن گونه‌های نامشروع ازدواج، طرد کردن و منع ازدواج با افرادی بود که در عصر جاهلیت معروف به زناکاری و - به اصطلاح - پرچم‌دار این عرصه

بودند (النور، ۳). برخی دیگر از زنان بدسابقه و فاحشه هم چون ساره، حتمه و رباب بودند که پیامبر (ص) پس از ماجرای فتح مکه ریختن خون آن‌ها را مباح دانستند، چرا که همین زنان بدکاره بودند در هجو رسول خدا (ص) شعر می‌خواندند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۶) و مشرکان را به کشتن پیامبر (ص) تحریک می‌کردند و این‌گونه در گوش مشرکان می‌خواندند که «پدر تو - در عصر جاهلیت - این کار و آن کار، و آن کار و این کار را می‌کرد و به همین خاطر است که تو از کشتن محمد (ص) می‌ترسی و متعرض او نمی‌شوی» (اشعری قمی، ۱۴۰۸، ق: ۱۳۴)!

به دلیل رسوبات دوران جاهلیت در عصر نبوی بود که «خداوند از ازدواج با زن یا مردی که علناً زناکاری می‌کنند، نهی کرد مگر زمانی که این افراد توبه واقعی کنند» (اشعری قمی، ۱۴۰۸، ق: ۱۳۴). بنابراین پیامبر (ص) راه توبه را برای این افراد بدسابقه در عصر جاهلیت - به جز کسانی که سر جنگ و عناد با ایشان داشتند - بازگذاشته‌اند و ازدواج با آن‌ها را در صورت توبه آشکار و واقعی ایشان، جایز شمرده‌اند.

۴. افزایش مجازات زناکار

در ابتدای اسلام، احکام عصر جاهلیت در خصوص فرد زناکار امضا شد. مطابق حکم اولیه زن زناکار را در منزل حبس می‌کردند تا مرگ او فرا برسد و مرد زناکار را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند؛ اما این حکم با قدرت گرفتن اسلام نسخ شد و حکم سخت‌تری در خصوص فرد زناکار مطرح شد. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «پس در زمانی که تعداد مسلمانان زیاد شد و اسلام قوی گشت و مردم از امور و احکام و عادات جاهلیت متفرشده، وحشت پیدا کردند، خداوند این آیه را نازل نمود: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (النور، ۲). هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. در آن هنگام آیه قبل یعنی آیه حبس و اذیت، نسخ شد» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶: ۶۰).

۵. کاهش زمان عدّه و تسهیل ازدواج

پیش از اسلام، اعراب جاهلی قائل به یک سال عدّه برای زنان همسر از دست‌داده بودند. دین مبین اسلام نیز این شریعت جاهلی را در ابتدا امضا کرد؛ اما با گذشت زمان و قدرت یافتن اسلام و افزایش تعداد مسلمانان، این حکم نسخ شد و زمان عدّه به چهار ماه و ده روز کاهش یافت. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «وقتی اسلام قوی شد، خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ

أَجْلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ» (البقره، ۲۳۴)؛ کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی برجا می‌گذارند، زنان‌شان چهار ماه و ده روز، به انتظار بمانند. وقتی این مدّت تمام شد، آنچه به شایستگی است درباره خودشان انجام دهند (ازدواج کنند). گناهی بر شما نیست؛ چرا که خدا از آنچه می‌کنید آگاه است (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲: ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۱۹۱).

۶. افزایش ازدواج‌ها

ازدواج آسان و گسترده یکی از سیاست‌های مهم حضرت رسول (ص) در نهاد خانواده بود. در این راستا، برخی گونه‌های ازدواج که در عصر جاهلیت قبیح دانسته می‌شد، توسط حضرت رسول (ص) جایز شمرده شده و ترویج شد.

یک) جواز ازدواج با همسر پسرخوانده

روابط خانوادگی و خویشاوندی در جامعه زمان جاهلی و نبوی، بسیار پیچیده‌تر از دوران امروزی بود. یکی از این نسبت‌ها مسأله «فرزندخواندگی» بود. این مسأله معمولاً به جهت تکافل اجتماعی و با هدف رسیدگی به کودکان بی‌سرپرست یا بردگان خردسال انجام می‌شد. یکی از افرادی که از کوچکی خادم حضرت رسول (ص) بود و حضرت نیز او را به فرزندخواندگی قبول کرده بودند، زید بن حارثه بود که حضرت رسول (ص) واسطه ازدواج او با دختر عموی‌شان، زینب بنت جهش شدند؛ اما متأسفانه این ازدواج به طلاق ختم شد (الأحزاب، ۳۷).

بعد از این طلاق و گذشتن عده زینب بود که پیامبر (ص) تمایل به ازدواج با زینب پیدا کردند، اما با اینکه خداوند متعال اسامی همسران پیامبر (ص) به ایشان آموخته بود (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۲)، به دلیل آنکه عرب جاهلی ازدواج با همسر فرزندخوانده را بد می‌دانستند، پیامبر (ص) این قضیه را آشکار نمی‌کردند. در این اوضاع و احوال بود که خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «و به یاد آور زمانی را که به آن شخص که خدا به او نعمت -اسلام- بخشیده بود، و تو هم -با آزاد کردنش از طوق بردگی- به او احسان کرده بودی، می‌گفتی: همسرت را برای خود نگه دار و از خدا پروا کن. و تو در باطن خود چیزی را -چون فرمان خدا به ازدواج با همسر مطلقه او- پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده آن بود -تا برای مردم در ازدواج مطلقه پسر خوانده‌هایشان ممنوعیت و

۱ شایان ذکر است تا زمان حضرت داوود(ع) حتی زنانی که شوهرشان از دنیا می‌رفت یا شهید می‌شد تا آخر عمر ازدواج نمی‌کردند و اولین کسی که خداوند متعال ازدواج با همسر شهید را برای او مباح کرد، حضرت داوود(ع) بود (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۲).

مشکلی نباشد- و - برای بیان فرمان خدا نسبت به مشروعیت ازدواج مطلقه پسر خوانده- از مردم می ترسیدی و در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس هنگامی که «زید» نیاز خود را از همسرش به پایان برد - او را طلاق داد- وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند سختی و حرجی نباشد؛ و همواره فرمان خدا شدنی است (الأحزاب: ۳۷). شاید بتوان از این داستان قائل به نوعی سناریوپردازی توسط خداوند متعال شد تا ازدواج با همسر مطلقه‌ی فرزندخوانده در عصر نبوی به رسمیت شناخته شود و کسی حلال خدا را حرام نکند و دایره ازدواج‌ها در جامعه اسلامی محدود نشود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۱۷۸).

دو) رواج ازدواج با بیوه‌زنان و تعدد زوجات

ازدواج، یک سنت نبوی است و مجردماندن به‌طور کلی مذموم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۸۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۳۸)؛ خواه این مجرد به‌صورت اولیه باشد یا مجرد ثانویه و در اثر طلاق یا فوت همسر عارض شده باشد. از این رو ازدواج مجدد، مخصوصاً پس از فوت همسر یک امر رایج و مقبول در صدر اسلام بوده است. به‌عنوان مثال در سیره رسول خدا^(ص) منقول است که «رسول خدا^(ص) با حفصه، دختر عمر در ماه شعبان ازدواج کردند. این درحالی بود که حفصه در زمان جاهلیت به همسری خنیس بن حذافه درآمده و همسرش فوت کرده بود. هم‌چنین زینب دختر خزیمه - که در دوران جاهلیت به ام‌المساکین می‌گفتند - همسر طفیل بن حارث بن مطلب بود که پس از طلاق همسرش با برادر او عبیده ازدواج می‌کند. عبیده نیز در جنگ بدر شهید می‌شود و رسول خدا^(ص) در ماه رمضان با زینب ازدواج می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰: ۱۲).

نکته حائز اهمیت در فهم سنت تعدد زوجات، اشاره به فلسفه اصلی آن است. هدف اصلی از این امر، نوعی «کفالت اجتماعی» بوده و یک نوع مسئولیت اجتماعی به حساب می‌آمده است تا زنی بی سرپرست نماند و بار زندگی بر دوش این موجود لطیف نیفتد؛ از این رو است که امیرالمؤمنین^(علیه‌السلام)، به این ویژگی خود افتخار می‌کنند «أَنَا زَوْجُ الْأَرَامِلِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۶۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۴۸). من همسر بیوه‌زنان هستم.

۷. حذف یا تعدیل عوامل طلاق

طلاق در عصر جاهلیت نیز وجود داشته است؛ اما برخی از مصادیق طلاق در آن زمان وجود داشته که بسیار سختگیرانه بوده است. به عنوان مثال می توان به طلاقظهار اشاره کرد که در آن پس از مشاجره زوجین به یکدیگر، مرد به زن می گوید: «أَنْتِ عَلَيَّ كَظْهَرِ أُمِّي» تو بر من چون پشت مادرم هستی؛ در نتیجه این جمله، زوجین نسبت به یکدیگر حرام ابدی می شدند. با ظهور اسلام، حکمظهار پس از مدتی عوض شد. اولین کسی که پس از اسلام، همسر خود راظهار کرد، پیرمردی از قبیله انصار به نام اوس بن صامت بود که آیات ابتدایی سوره مبارکه مجادله درباره ایشان نازل شد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۵۲۶).

۸. روابط پیچیده و گسترده خویشاوندی

با بررسی ازدواج های فراوان در عصر نبوی و علوی، می توان قائل به شکل گیری نوعی «هزارتوی فامیلی و خویشاوندی» در جامعه شد. به عنوان مثال، ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که «خداوند رحمت کند خواهران بهشتی را! سپس نام این خواهران بهشتی را ذکر کردند: اسماء دختر عمیس خثعمی که همسر جعفر بن ابی طالب بود؛ سلمی دختر عمیس خثعمی که همسر حمزه بود و پنج تن از قبیله بنی هلال میمونه دختر حارث که همسر پیامبر بود، ام الفضل که نزد عباس بود و هند نام داشت، غمیصاء مادر خالد بن ولید، عزت که از قبیله ثقیف و نزد حجاج بن غلاظ بود و حمیده که پس از خود نسلی نداشت (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۶۳).

۹. کاهش زمان عدّه همسر از دست داده

در روایتی که به طریق موثق به دست ما رسیده است، محمد بن مسلم نقل می کند که زنی نزد امام صادق (علیه السلام) آمد و از ایشان سؤال کرد: شوهر من فوت کرده است، آیا می توانم در عدّه وفات او شبها در خارج از منزل به سر ببرم؟ امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال آن زن فرمودند: «در عهد جاهلیت زنان برای شوهران خود یک سال تمام عزا می گرفتند، بعد از آن که خداوند متعال حضرت محمد (ص) را برانگیخت، بر ناتوانی آنان رحم کرد و عدّه عزا را به چهار ماه و ده روز تقلیل داد و اینک شما خانمها بر همین مدت نیز بردباری ندارید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۱۱۷)؛ شایان ذکر است که یکی از دلایل تشریح عدّه زنان به مدت چهار ماه و ده روز، مسأله تعیین تکلیف فرزند احتمالی است (البقره، ۲۲۸ و ۲۳۴).

ازدواج در این دوران آنقدر رایج و مهم بوده که به فرموده امام صادق (علیه السلام) زنان شوهر ازدست داده، بر همین چهار ماه صبر نداشتند و نسبت این میزان هم نزد رسول خدا (ص) اعتراض می کردند. پیامبر (ص) در پاسخ، ایشان را بابت هشت ماه تخفیف اسلام نسبت به عده یک ساله در عصر جاهلیت، به شکر گذاری دعوت می کردند (عیاشی، ۱۳۸۰، ق، ج ۱: ۱۲۱)!

۱۰. نفی برخی ملاک های جاهلی در ازدواج و انتخاب همسر

در زمان جاهلیت برخی ملاک ها برای انتخاب همسر مهم به حساب می آمده ولی پس از اسلام و تشکیل حکومت نبوی، حضرت رسول (ص) در نظر و عمل بسیاری از ملاک های جاهلی در ازدواج و تشکیل خانواده را به عنوان ملاک اصلی انتخاب همسر نفی کردند.

۱۰-۱. نفی ملاک نژادی

طبق روایات متعدد، حسب و نسب در انتخاب همسر امری مهم و قابل توجه است و اثر وراثت ویژگی های ژنتیکی در نسل انسان مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال از حضرت رسول (ص) منقول است که: «با خانواده های صالح وصلت کنید چرا که صفات والدین اثر نامحسوسی - بر فرزند - دارند» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۹۷). هم چنین در روایت موثقه ای پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «برای نطفه های خودتان - همسر خوب - انتخاب کنید؛ چرا که دایی یکی از دو ملازم است» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۵: ۳۳۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ق، ج ۷: ۴۰۲). درست است که خاندان نبوت بر اهمیت اصل و نسب در ازدواج تأکید داشته اند؛ اما از تبدیل شدن این ملاک به عنوان ملاک تعیین کننده یا سوء استفاده از آن در قالب ملامت و سرزنش دیگران، نهی کرده اند. امام صادق (علیه السلام) نقل می کنند که امام سجاد (علیه السلام) با کنیز امام حسن ازدواج کردند. این خبر که به گوش عبدالملک رسید، نامه ای شماتت آمیز به امام (علیه السلام) نوشت که تو شوهر کنیزان شده ای! زین العابدین (علیه السلام) در جواب او به سیره رسول خدا (ص) در این مورد و تأسی ایشان به این سیره اشاره می کنند: «همانا خداوند متعال به اتصاف یک فرد به صفت اسلام و مسلمان، سایر پستی ها را برطرف کرد و به واسطه آن نواقص را کامل کرد و به برکت آن افراد را از سرزنش دیگران به اکرام و احترام سوق داد؛ بنابراین مسلمان را نباید نسبت به پستی داد. این نوع سرزنش ها فقط سرزنش جاهلیت است؛ پیغمبر (ص) به غلامش دختر داد و با کنیزش ازدواج کرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۵: ۳۴۶). هر چند سند روایت پیشین ضعیف ارزیابی می شود؛ اما این روایت به طرق مؤثق و نقل های مشابه دیگر نیز نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۵: ۳۴۴).

بنابراین یکی از ویژگی‌های مهمی که حضرت رسول (ص) تلاش کردند آن را در حکومت نبوی اشاعه دهند، ازدواج از قبایل و عشایر و حسب و نسب‌های مختلف بوده است تا حسب و نسب تبدیل به یک مانع در امر ازدواج‌ها نشود.

۱۰-۲. نفی ملاک اقتصادی

یکی دیگر از ملاک‌هایی که در عصر جاهلیت برای انتخاب همسر مطرح بوده است، «طبقه اقتصادی» است. طبق این ملاک، اغنیاء با اغنیاء وصلت کار می‌شدند و فقرا با فقرا. نتیجه طرح این کفویت اقتصادی، حفظ شکاف طبقاتی در جامعه و عدم ارتباط و اتصال اقشار مختلف با یکدیگر بود.

با روی کار آمدن اسلام، حضرت رسول (ص) تلاش کردند این ملاک جاهلی و خودساخته اعراب از بین برود. در این راستا ضمن نفی ملاک اقتصادی به عنوان ملاک تعیین کننده، تمام تلاش خود را می‌کردند تا افراد طبقه کم‌برخوردار با افراد طبقه برخوردار به ازدواج در آیند تا با این سنت شکنی‌ها، سنت غلط کفویت اقتصادی به عنوان ملاک تعیین کننده، عملاً از بین برود.

امام رضا (علیه السلام) این سیاست حضرت رسول (ص) را این گونه به قرآن کریم مستند می‌سازند: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (النور، ۳۲) اگر مردی به خواستگاری دختر تو آمد و از دین و اخلاقیاتش خوشش آمد، پس به او دختر بده و مبادا فقر و نداری آن خواستگار مانع این امر خیر شود. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ» (النساء، ۱۳۰) و اگر زوجین از یکدیگر جدا شوند، هر کدام از آن‌ها را از سعه خود بی‌نیاز می‌کند.

در روایت به سند صحیح، امام باقر (علیه السلام) در تشریح عملی این سیاست اجتماعی حضرت رسول اکرم (ص)، به ماجرای ازدواج جویر - که مردی کوتاه‌قد، زشت‌رو، فقیر و عریان و از سیاه‌پوستان زشت‌رو بود - با ذلفا - که دختری اشراف‌زاده و ثروتمند بود - اشاره می‌کند که با وساطت پیامبر (ص) انجام شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۳۹-۳۴۲). ائمه هده (علیه السلام) در موارد مکرر به این سیره رسول خدا (ص) استناد می‌کنند و هم‌چنین بیان می‌کنند که جامعه‌ای که ملاک‌های ازدواجش تغییر کند، دچار فتنه و فساد بزرگ می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۴۷).

ساختار خانواده در عصر خلفای ثلاث

سیاست‌های اجتماعی حضرت رسول اکرم (ص) در زمینه تنظیم مناسبات خانوادگی و خویشاوندی نوعی انقلاب علیه ضدارزش‌های عصر جاهلیت به حساب می‌آمد. با خروج راهبری

جامعه از مجرای امامت، خلاف جریانی پدید آمد که نوعی ضدانقلاب علیه دستاوردهای حضرت رسول (ص) و آرمان‌های ایشان در جامعه ایمانی به حساب می‌آمد که به تعبیر قرآن کریم می‌توان از آن با عنوان جاهلیت دوم نام برد (الأحزاب، ۳۳؛ فتح، ۲۶).

امیرالمومنین (علیه‌السلام) با اشاره به استحاله دستاوردهای حضرت رسول (ص) در سنن جاهلی توسط خلفا، این گونه در آغاز خلافت‌شان خطبه می‌خوانند: «أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ ص...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۵۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۳۶۹). آگاه باشید که بلا و گرفتاری شما مثل همان روزی که خداوند پیامبر (ص) را مبعوث کرد، شده است و به همان نقطه اول بازگشته‌اید.

احیای مناسک و معالم جاهلی در عصر خلفای ثلاث گاهی به صورت آشکار، گاهی به صورت پنهان، گاهی به صورت تدریجی و گاهی به صورت دفعی انجام می‌شد. به عنوان مثال می‌توان به بازگرداندن آشکار و دفعی مقام ابراهیم (علیه‌السلام) به جایگاهش در عصر جاهلیت توسط خلیفه دوم اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۲۲۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۴۴). برخی از مهم‌ترین بدعت‌ها در حوزه خانواده عبارت است از:

۱. سخت کردن و محدود کردن ازدواج‌ها

برخلاف حضرت رسول (ص) که تلاش کردند ازدواج‌ها آسان و با کفویت ایمانی صورت بگیرد، این سیاست پس از رحلت ایشان با بدعت‌هایی زیر پا گذاشته شد.

متعّه یا ازدواج موقت یکی از گونه‌های رایج ازدواج در زمان جاهلی بوده که دین مبین اسلام این ازدواج مدّت‌دار را با رعایت شرایطی -هم‌چون عقیفه بودن و عدم امکان ازدواج دائم موردامضا قرار داده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۵۲). در روایت صحیح‌السندی، امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «قرآن کریم حکم متعه را نازل کرده است و سنّت ازدواج موقت از زمان رسول خدا (ص) جاری شده است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۹).

در روایت صحیح‌السند دیگری، ابوبصیر از امام باقر (علیه‌السلام) درباره متعه سؤال می‌کند و ایشان این گونه به جایگاه این سنّت در قرآن کریم اشاره می‌کنند: «حکم متعه در قرآن کریم نازل شده است؛ آنجا که خداوند تعال می‌فرماید «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» (النساء، ۲۴)» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۴۸) و از هر کدام

از زنان بهره‌مند شدید مهریه او را به‌عنوان واجب مالی بردازید و در آنچه پس از تعیین مهریه - نسبت به مدت عقد یا کم یا زیاد کردن مهریه - با یکدیگر توافق کردید بر شما گناهی نیست.»
 البته حضرت رسول (ص) برای متعه شرط و شروطی قرار داده‌اند و آنرا ضابطه‌مند کرده‌اند. به‌عنوان مثال افراد را از ازدواج متعه با افرادی که هم‌چون دوران جاهلیت پرچم فساد بر خانه خود داشتند، برحذر می‌داشتند؛ هم‌چنین از ازدواج موقت با افراد فاسد، معروف به زناکاری و زنان مطلقه‌ای که به سنت نبوی طلاق نمی‌گرفتند، نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۵۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۵۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۵۲؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۴۳).

به اذعان منابع اصلی اهل سنت، سنت نبوی متعه تا اوایل خلافت خلیفه دوم استمرار داشت و حتی ابوبکر و عمر در زمان رسول خدا (ص) متعه می‌کردند (مسلم، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۰۲۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۳: ۳۰۶).

امام صادق (علیه السلام) نقل می‌فرمایند که پس از آنکه خواهر خلیفه دوم متعه می‌کند و فرزنددار می‌شود، وی به مسجد رفته و در خطبه‌ای اعلام می‌کند: «ای مردم بدانید که این متعه که در زمان رسول خدا (ص) حلال بود را حرام می‌دانم و هرکس از این حکم سرپیچی کند با شلاق به‌صورت و پیشانی‌اش می‌زنم». هیچ‌کس در آن جمع نبود که حرف او را رد یا انکار کند و هیچ‌کس نبود که بگوید: رسولی پس از رسول خدا (ص) نمی‌آید یا کتابی بعد از کتاب خدا نازل نمی‌شود!! کسی نبود بگوید: ما حرف تو را که خلاف قول خدا و رسول خدا ص و کتاب خداست نمی‌پذیریم! بلکه اتفاقاً تسلیم شدند و به این - بدعت - رضایت دادند» (خصیعی، ۱۴۱۹، ج ۴۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۲۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۴۷۷).

پس از حضرت رسول (ص) نیز هیچ‌کدام از اهل بیت (علیه السلام) درباره حلیت و سنت بودن متعه، تقیه نکرده‌اند و مطابق روایت صحیح‌السندی، گاهی برای اسکات خصم، دست به دامن مباحله در خصوص اثبات متعه در سنت رسول الله (ص) می‌شدند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۴۹). طبق روایات صحیح‌السندی، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به‌صورت مکرر، ثمره این سیاست نادرست خلیفه دوم در عرصه خانواده را این‌گونه گوشزد می‌کردند: «اگر این خطاب در تحریم ازدواج موقت بر من پیشی نمی‌گرفت، جز شقاوت‌پیشگان، مرتکب زنا نمی‌شدند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۴۸؛ عده‌ای از علما، ۱۳۶۳: ۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۵۰؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۴۱). از مفهوم این کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌توان فهمید که با حرام کردن متعه توسط خلیفه دوم، زناکاران در جامعه

اسلامی بیشتر شدند و این فقط اشقیاء نبودند که مرتکب این فعل حرام می‌شدند؛ بلکه زنا دامن بسیاری از افراد جامعه را آلوده کرد که یکی از ثمره‌های آن افزایش موالید نامشروع در این دوره است.

۲. ارتجاع به سنن و ملاک‌های جاهلی در ازدواج و طلاق

با توجه به اسلام ظاهری و تعلقاتی که به عصر جاهلیت وجود داشت، سنن و ملاک‌های جاهلی در عرصه خانواده در عصر خلفای ثلاث احیاء شد.

۱-۲. احیای ازدواج‌های طبقاتی

یکی از آموزه‌های یهود که در میان اعراب جاهلی رسوخ پیدا کرده بود، ازدواج بر پایه اشرافیت و تبعیض نژادی بوده است. یهودیان نه از خانواده غیریهودی زن می‌گرفتند و نه به دیگران زن می‌دادند (کمره‌ای، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۱۰۳)؛ اما با بعثت حضرت رسول (علیه‌السلام) این مقررات ملغی شد؛ لذا یکی از سیاست‌های رسمی حضرت رسول (ص) ترویج عملی ازدواج‌های افراد در طبقات مختلف اقتصادی و نژادی بود تا شکاف طبقاتی و نژادی به مرور کم‌رنگ شود. برای مثال می‌توان به ماجرای ازدواج دختر عمومی حضرت رسول (ص) با مقداد اشاره کرد (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۵: ۱۳۵).

در جانب مقابل، خلیفه دوم که معتقد به اصل نژادپرستی بود و برتری نژاد عرب را از دوران تصدی خود زنده کرد، به اعتبار اینکه این برتری نژادی یک شعار ملی - عربی است، این بدعت را گذاشته بود که «غیرقریشی نمی‌تواند با قریشی ازدواج کند و نیز غیرعرب‌ها نمی‌توانند با عرب‌ها ازدواج کنند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۶: ۶۱). به این ترتیب عمر، یکی از اصول تعلیمات اسلام را از بین برد و چون این تبعیض نژادی با عقاید دیرینه عرب سازگار بود، مورد قبول آن‌ها واقع شد (کمره‌ای، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۱۰۳).

۲-۲. احیای سه طلاق در یک مجلس

در قرآن کریم حکم طلاق رجعی این گونه بیان شده است: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (البقره، ۲۲۹) طلاق دو مرتبه است و پس از دو مرتبه یا باید همسرش را به شایستگی نگاه دارد یا اینکه - با ترک رجوع - او را با احسان و نیکی رها کند؛ بنابراین طبق این آیه مرد پس از دو بار طلاق و رجوع به همسر، در بار سوم امکان رجوع به همسر را ندارد.

اما در عصر جاهلیت گاهی در یک مجلس سه بار صیغه طلاق یا الفاظ طلاق جاری می‌شد و هیچ رجوعی هم وجود نداشت (الآلوسی، بی تا، ج ۲: ۴۹). خلیفه دوم - که میل زیادی به احیای آداب و رسول جاهلی داشت - سنت سه طلاق در یک مجلس را مجدداً احیا کرد. ابن عباس نقل می‌کند که «در زمان رسول خدا و ابوبکر و دو سال از خلافت عمر، سه طلاق در یک مجلس یک طلاق به حساب می‌آمد ولی وقتی عمر دید که مردم در این امر عجله دارند، اجازه داد که سه طلاق در یک مجلس همان سه طلاق باشد» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۱۰۹۹؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۶۱).

این درحالی است که طبق منابع و گزارش‌های تاریخی متعدد و معتبر حضرت رسول (ص) از سه طلاقه کردن در یک مجلس نهی می‌کردند. ابن وهب نقل می‌کند که: به رسول خدا (ص) خبر دادند که مردی زنش را در یک مجلس سه طلاقه کرد. حضرت با خشم برخاستند، آن‌گاه فرمودند: «أَلَيْعَبَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَنَا بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ؟! آیا با کتاب خدا بازی می‌شود درحالی که هنوز من در میان شما هستم؟! تا آنجا که مردی برخاست و گفت: آیا او را بکشم؟! (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۳۴۹). در روایت صحیح‌السند دیگری، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که «ابن عمر زنش را در یک مجلس سه بار طلاق داد پس پیامبر خدا (ص) او را امر فرمود که به زنش رجوع کند. پس فرمودند: اگر خواستی طلاقش بده و اگر خواستی او را نگاه دار» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۹).

۳. به ازدواج در آوردن امهات المؤمنین (ص)

در جمع‌بندی سیره خلفای ثلاث پس از رسول اکرم (ص) و پوشیدن پوستین وارونه بر خانواده اسلامی، در روایت صحیح‌السندی، امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «مَا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا وَقَدْ غُصِبَ فِيهِ» خداوند عز و جل از چیزی نهی نکرده بود مگر اینکه در آن مورد عصیان قرار گرفته است! آن‌گاه آن حضرت به ماجرای به ازدواج در آوردن دو تن از امهات المؤمنین - زن کندی و زن عامری - پس از رحلت پیامبر (ص) توسط خلیفه اول و دوم اشاره می‌کنند. سپس آن حضرت ادامه می‌دهند: «کاش کسی بود و از آن‌ها می‌پرسید: اگر مردی با زنی ازدواج کند؛ اما پیش از آنکه با او هم‌بستر شود، آیا پسر آن مرد می‌تواند با او ازدواج کند؟! آن‌ها قطعاً می‌گفتند: جایز نیست. پس حرمت و جایگاه رسول خدا (ص) که بسیار بالاتر از پدران ایشان است!» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۲۱؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸ق: ۱۰۳؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۵۵۰)

ماجرای طلاق همسر عامری و همسر کندی پیامبر^(ص)، به طُرُق صحیح و در کتب معتبر نقل شده است؛ به نحوی که مرحوم مجلسی، این قصه را مشهور و یکی از عیوب معروف خلفا معرفی می کند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰: ۱۷۶). در روایت دیگری که آن هم به سند صحیح به دست ما رسیده است، این ماجرا این گونه توسط حسن بصری نقل شده است: «... ابوبکر و عمر به آن دو زن مطلقه رسول خدا^(ص) گفتند: اختیار در خانه ماندن یا ازدواج کردن با شماست. پس آن دو زن ازدواج را انتخاب کردند و هر کدام به عقد مردی درآمدند. پس یکی از مردان آن‌ها جذام گرفت و دیگری به مرض جنون مبتلا گشت» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۲۱؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸ ق: ۱۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۱: ۱۶۴ و ۱۶۵)!

خانواده در عصر امیرالمؤمنین^(علیه السلام)

نهاد خانواده و خویشاوندان در زمان امیرالمؤمنین^(علیه السلام) همان سیر تحولی را به خود دید که حضرت رسول^(ص) در راستای آن سیاست گذاری می کردند. وجه شباهت دیگر سیاست خانواده در زمان حضرت رسول^(ص) و امیرالمؤمنین^(علیه السلام) این بود که هر دو معصوم^(علیه السلام) با موانع و آداب و رسوم غلط جاهلی در این راه مبارزه کردند؛ با این تفاوت که پیامبر اکرم^(ص) با جاهلیت اولی و امیرالمؤمنین^(علیه السلام) با جاهلیت دوم مبارزه می کردند. تفاوت دیگر در این بود که مبارزه حضرت رسول^(ص) با جاهلیت اولی، با استفاده از ابزار تنزیل قرآن کریم بود؛ اما مبارزه امیرالمؤمنین^(علیه السلام) با جاهلیت دوم با تمسک به تأویل قرآن کریم بود (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۱۶ و ۱۵). این مسأله و نفوذ منافقین در ساختارهای سیاسی - اجتماعی حکومت اسلامی در دوره‌های پیشین، کار را برای امیرالمؤمنین^(علیه السلام) بسیار سخت تر می کرد. بنابراین، مطابق روایت صحیح‌السندی، سیاست اعلامی حضرت در مسائل حوزه خانواده - مثل باقی مسائل - عبارت بود از اینکه «هر چیزی که مخالف کتاب خداوند عزّ و جلّ باشد، باید به کتاب خداوند و سنت برگردانده شود» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۵۸).

با توجه به رسوخ برخی از این بدعت‌ها در تار و پود سبک زندگی و فرهنگ عمومی جامعه، امیرالمؤمنین^(علیه السلام) اذعان می کنند در دوران حکومت خود قدرت و امکانات کافی برای مبارزه با برخی از این بدعت‌ها ندارند و صرفاً به توصیف وضع آرمانی و معالم نبوی^(ص) در این مسأله اکتفا می کنند. برخی از مهم ترین مصادیق این بدعت‌ها در حوزه خانواده که امیرالمؤمنین^(علیه السلام) به دلیل عدم همراهی جامعه نتوانستند با آن‌ها مبارزه کنند، از زبان خود حضرت نقل شده است:

«ای کاش می شد، می دیدید که احکامی را که از روی ستم و زور به آن‌ها حکم شده (مانند تحریم متعه حج و متعه زنان و قانون عول و و جواز سه طلاق در یک مجلس) تغییر می‌دادم و زنانی را که به ناحق تحت اختیار مردانی هستند، به سوی شوهران (مشروع و حقیقی) خود بازمی‌گرداندم (مانند زنانی که بدون حضور عدلین یا در غیر حال طهر طلاق می‌دادند و پس از انقضای عده به همسری اتخاذ می‌کردند) و درباره آن‌ها با حکم خدا درباره فروج و احکام روبرو می‌شدم ... و در موضوع ازدواج به‌طور برابری و مساوات رفتار می‌کردم (چون عمر برخلاف دستور رسول خدا^(ص) که فرموده بود هر مرد مسلمانی کفو زن مسلمان است و سیاهی و سفیدی و عرب و عجم و قرشی و غیر قرشی را ملغی کرده بود، او دستور داد غیر قرشی نباید از قرشی زن بگیرد و غیر عرب نباید از عرب زن بگیرد) ... و طلاق را روی سنت قرآن قرار می‌دادم (چون قرآن دستور می‌دهد در مورد طلاق که باید در حضور دو شاهد عدل باشد و در نکاح وجود شاهد را شرط نمی‌کند و اینان به‌عکس رفتار کردند)»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۵۹-۶۲).

در نتیجه با استمرار و رسوخ برخی سنت‌های غلط در حوزه خانواده و دیگر حوزه‌ها، حضرت «سیاست مدارا» با برخی از سنن جاهلی را در دستور کار قرار می‌دهند. ایشان در جایی می‌فرمایند: «تا جایی که بتوانم درباره این امور - که قدرت بر عوض کردن آن‌را ندارم - تا جایی که امکان داشته باشد، مدارا می‌کنم و اگر عرصه بر من تنگ شود و هیچ چاره‌ای نداشته باشم، آخرین دوا، شمشیر است» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۲۴۳).

این سنت‌های غلط حتی پس از امیرالمومنین (علیه السلام) نیز ادامه داشت. مطابق روایت صحیح‌السندی، امام صادق (علیه السلام) در خصوص بازگشت به اسلام ناب محمدی و زایل کردن سنن سیئه خلفای ثلاث می‌فرماید: «دیگر مردم نسبت به فرائض و طلاق - درست - جز با زور شمشیر ملتزم و پای‌بند نمی‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۷۷).

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی سیر تحول خانواده در وقایع مهمی چون ازدواج، طلاق، آسیب‌های اجتماعی حوزه خانواده و نحوه مبارزه با آن متوجه می‌شویم که نهاد خانواده از دوران جاهلیت تا دوران

۱ هر چند سند این روایت ضعیف ارزیابی می‌گردد؛ اما با توجه به قرائن فراوان تاریخی و اعتماد محدثین بزرگ به این روایت، آن‌را معتبر ارزیابی می‌کنیم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) سیری پر فراز و نشیب پیدا کرده است. درست است که کلیه آداب و رسوم عصر جاهلیت در حوزه خانواده توسط حضرت رسول اکرم (ص) محو نشد و حتی برخی از آن‌ها مورد امضای حضرت قرار گرفت؛ اما با رحلت پیامبر (ص) و حاکمیت جریان سقیفه دوباره ارتجاعی به ساختار خانواده در عصر جاهلیت پدیدار گشت و جاهلیت جدیدی شکل گرفت. با روی کار آمدن امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ایشان تلاش کردند تا نهاد خانواده را به همان خانواده مطلوب نبوی بازگردانند که در پاره‌ای از موارد این امر حاصل شد؛ اما در برخی دیگر از موارد به دلیل رسوب برخی آداب و رسوم جاهلی و بدعت‌ها از یکسو و رضایت مردم به این انحرافات ازسوی دیگر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) قدرت و امکان کافی برای تغییرات عملی در این حوزه پیدا نکردند.

جدول ۱. مقایسه مختصات خانواده از دوران جاهلی تا عصر علوی

دوره امیرالمؤمنین (علیه السلام)	دوره خلفای ثلاث	دوره نبوی (ص)	دوره جاهلیت	
مبارزه با جاهلیت جدید و تلاش برای احیای سنن نبوی	ضدانقلاب علیه دستاوردهای حضرت رسول (ص) و ارتجاع به عصر جاهلیت	انقلاب علیه سنن باطل جاهلی و امضای سنن حسنه عصر جاهلیت	التقاط سنن انبیای عظام و آباء عصر جاهلیت	مختصات کلی دوره
مبارزه با مفاسد اخلاقی: * مبارزه با تبرج * تلاش برای حذف گونه‌های نامشروع ازدواج * تلاش برای بازگرداندن زنان به شوهران اصلی شان	احیای مفاسد اخلاقی: * احیای تبرج جاهلی * شیوع زنا بین اشقیاء و غیراشقیاء با تحریم متعه * ازدواج به ناحق با برخی زنان شوهردار * به ازدواج درآوردن دو تن از همسران پیامبر (ص)	کاهش تدریجی مفاسد: * نفی تبرج * افزایش مجازات فحشا * تحریم ازدواج‌های نامشروع	رواج مفاسد اخلاقی: * تبرج * شیوع فحشاء * اختلاط انساب * شیوع گونه‌های نامشروع ازدواج	میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در خانواده
* تلاش برای محدودیت‌زدایی از ازدواج‌های مشروع * حذف شرط شاهد در ازدواج	* محدودکردن ازدواج‌ها و تحریم متعه * سخت‌کردن ازدواج با شرط دو شاهد عادل در ازدواج	سهولت و کثرت ازدواج‌ها	بدون مرز بودن تعدد زوجات	کیفیت تشکیل خانواده و ازدواج

دوره امیرالمؤمنین (علیه السلام)	دوره خلفای ثلاث	دوره نبوی (ص)	دوره جاهلیت	
* تلاش برای مساوات و برابری در ازدواج * نفی ملاک‌های اقتصادی و نژادی	* احیای ازدواج‌های نژادی * احیای ازدواج‌های اقتصادی * به حاشیه‌راندن ملاک دینی در ازدواج	* محوریت کفویت ایمانی * نفی کفویت نژادی * نفی کفویت اقتصادی	* ازدواج‌های طبقاتی * ازدواج‌های اقتصادی	ملاک‌های ازدواج
* مبارزه با بدعت سه طلاق در یک مجلس * بازگرداندن شرط شهادت دو شاهد عادل در طلاق	* احیای بدعت سه طلاق در یک مجلس * تزلزل نهاد خانواده * تسهیل طلاق با حذف حضور دو شاهد عادل	* مخالفت با سه طلاق در یک مجلس * معرفی طلاق به‌عنوان مبعوض‌ترین حلال خداوند	* رواج سه طلاق در یک مجلس * شیوع طلاق زنان و آزدن ایشان به دلایل واهی یا تنبیه قبیله * عدم رعایت عده توسط زنان مطلقه	کیفیت طلاق

با مقایسه ساختار خانواده در قلمرو زمانی این پژوهش متوجه می‌شویم که با توجه به نزدیکی معیارهای اعلامی و اعمالی خلفای ثلاث در خط‌مشی‌گذاری حوزه خانواده، این دوران بیش از آنکه به ساختار خانواده اسلامی شبیه باشد، به ساختار خانواده در عصر جاهلیت شبیه است. هم‌چنین با توجه به اینکه برخی سنن جاهلی در حوزه خانواده ریشه در آیین ابراهیمی و حنیفی دارند، پاره‌ای از این سنت‌ها مورد امضای اسلام قرار گرفته است؛ لذا ساختار خانواده علوی و نبوی شباهت‌هایی - هرچند اندک - با ساختار خانواده در عصر جاهلیت است.



شکل ۲. ارتباط نهاد خانواده در ادوار مختلف (طراحی شده توسط نویسندگان)

هم چنین با مقایسه ساختار خانواده در ادوار صدر اسلام و ساختار امروزی خانواده در جوامع اسلامی، متوجه می شویم که بیش از آنکه ساختار خانواده امروزی را ساختاری مدرن بنامیم، باید آن را محصول ترکیبی از سنن نبوی و آیین حنیف، سنن جاهلی و بدعت های خلفای ثلاث بدانیم که می توانیم از آن با عنوان «جاهلیت جدید» یاد کرد. ازدواج های سخت، مهم شدن ملاک های اقتصادی و طبقاتی در ازدواج، قبح اموری چون تعدد زوجات یا تغییر انصراف معنای آن از کفالت اجتماعی به بهره برداری جنسی، افزایش سقط جنین و پیشگیری از فرزندآوری، نمونه هایی از رسوبات جاهلیت اول و دوم در نهاد خانواده است.

پیشنهادات کاربردی

مبارزات حضرت رسول (ص) و امیرالمومنین (علیه السلام) با رسوم غلط جاهلیت و نحوه این مبارزات، الگوی مناسبی برای مبارزه با آسیب های اجتماعی در نهاد خانواده است. برخی از مهم ترین این آموزه ها عبارت است از:

۱. پیش قدم شدن مسئولین و زمام داران جامعه در حل آسیب های اجتماعی و شروع کردن از خانواده و خویشان خود. ازدواج با همسر فرزندخوانده پس از طلاق او و عدم رعایت ملاک های طبقاتی در ازدواج خود و فرزندان با هدف توسعه ازدواج در جامعه، نمونه هایی از این آموزه است.

۲. لزوم تسریع مبارزه با انحرافات در نهاد خانواده. نحوه مواجهه امیرالمؤمنین (علیه السلام) با بدعت‌های خلفا در حوزه خانواده، به ما یادآور می‌شود که اگر بدعت‌ها و انحرافات در نهاد خانواده نهادینه شد، مبارزه با این انحرافات بسیار سخت‌تر و در نهایت غیرعملی و بازگشت‌ناپذیر می‌شود؛ لذا در نظر گرفتن عنصر زمان و مبارزه فوری با کوچک‌ترین انحرافات در نهاد خانواده امری ضروری است.
۳. اهمیت بسط ید و قدرت در تغییر و تحولات نهاد خانواده. سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مواجهه با بدعت‌ها نشان داد اصلاح فرهنگ غلط صرفاً یک امر حکومتی نیست و تا زمانی که افکار عمومی نسبت به بدعتی حساس نشود و همراهی اجتماعی در مبارزات صورت نگیرد، قدرت سیاسی صرف برای اصلاح اجتماعی کافی نیست.
۴. توجه به آداب و سنن گذشتگان. استفاده از آداب و رسوم هر منطقه و جهت‌دهی این آداب و رسوم در جهت صحیح یکی از راهبردهای اصلاحی معصومان (علیه السلام) در حوزه خانواده بوده است.
۵. شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تغییر و تحولات نهاد خانواده. اولویت‌گذاری میان مبارزه با بدعت‌ها و رسوم غلط و مبارزه تدریجی با آن‌ها، از آموزه‌های سیره حکومتی نبوی و علوی در حوزه خانواده است. شایسته است که هر کدام از این آموزه‌ها در پژوهش‌های مستقل دیگری، مورد بسط قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۵ق)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن حنبل، احمدین محمد (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدین علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم: علامه.
- اشعری قمی، احمدین محمدین عیسی (۱۴۰۸ق)، النوادر، قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف.
- الآلوسی، سید محمودشکری (بی تا)، بلوغ العرب فی معرفة احوال العرب، بی جا.
- بخاری، محمدین اسماعیل (۱۴۱۰ق)، صحیح البخاری، قاهره: جمهوریة مصر العربیة.
- برقی، احمدین محمدین خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة.
- الثعلبی، احمدین محمد (۲۰۰۲م)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثقفی، ابراهیم بن محمدین سعیدین هلال (۱۳۹۵ق)، الغارات، تهران: انجمن آثار ملی.
- چابکدر، زینب السادات (۱۳۹۶)، کاربرد عنصر مصلحت و مقتضیات زمان در تحول حقوق خانواده، پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، قابل بازیابی در پایگاه گنج به نشانی:
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/7d5217d81bd9fd251a1abb19386f4191>
- حلی، ابن ادیس (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الکبری، بیروت: البلاغ.
- رحیمی، ماریا؛ رضایی، محمد (۱۳۹۶)، مقایسه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی، مطالعات زن و خانواده، ۵ (۱): ۵۳-۷۷.
- رضا، محمدرشید (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، لبنان: دارالمعرفة.
- شریف الرضی، محمدین حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة، قم: هجرت.
- الشقیطی، محمدالامین (۱۹۹۵م)، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- شیخ حر عاملی، محمدین حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام).
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی، زن در فرهنگ و هنر، ۵ (۱)، ۶۳-۴۸.
- طبرانی، ابوالقاسم (۱۹۹۴م)، المعجم الکبیر، الرياض: دار الصمیعی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، احمدین علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- طبری آملی کبیر، محمدین جریرین رستم (۱۴۱۵ق)، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب (علیه السلام)، قم: کوشانپور.
- طوسی، محمدین الحسن (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- طوسی، محمدین الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیة. عده ای از علماء (۱۳۶۳)، الأصول الستة عشر، قم: دار الشبستری للمطبوعات.

- عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کمره‌ای، محمدباقر در کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۲)، الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- الماوردی، علی بن محمد (۱۹۹۹م)، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- المتقی الهندی، علاءالدین (۱۹۸۱م)، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال، مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ: دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- محققان، حسین؛ رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۶)، تأثیر ویژگی‌های زمانه بر صدور، فهم و تبیین روایات، آموزه‌های حدیثی، سال اول (۲): ۳۳-۵۵.
- مسلم، ابن حجاج (۱۴۱۲ ق)، صحیح مسلم، قاهره: دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، اسلام و نیازهای زمان (۱)، چاپ سی و یکم، تهران: صدرا.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ ق)، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
- منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۴)، گونه‌های ازدواج در عصر جاهلی، نشریه تاریخ اسلام در آیین پژوهش، شماره ۸: ۱۵۶-۱۲۷.
- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق)، السنن الکبری، لبنان: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی.
- یزدانی، عباس علی؛ دوستی، سیمین (۱۳۹۴)، اشکال نوپدید خانواده در ایران، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۲ (۶): ۱۰۰-۷۵.
- Gadamer, Hans Georgn (1976). Philosophical Hermeneutics, edited by David E. Linge, Berkeley: University of California Press.
- Hamilton, Paul (2003). Historicism, Second Edition, London: Routledge